

## منشاء برخی ترکیب‌های عجیب در فارسی - ناصر منظوری

در کتابی که بنام «شهریار و آن سه بار» برای چاپ آماده می‌شود، توضیحاتی بنا بر نیاز بحث در ها و ترکیب‌هایی داده خواهد شد که در زبان‌ها پیدا می‌شوند ولی خود آن زبان‌ها قادر به توضیح و توجیه آن ترکیب‌ها نیستند.

در این ای از این اصطلاح‌ها و ترکیب‌های موجود در زبان فارسی اشاره می‌شود، برای : یکشنبه، دوشنبه، .. دوقولو، سه قولو، یکی از قولوها، ... سنگ صبور، هفت‌سین، شیرآب... یا سؤال‌هایی از قبیل: «چهارباغ» وجود دارد ولی « » « » ندارند؟ گاوخونی یعنی چه؟ ... همانگونه که بیان شد، چون دلیل پیدایش چنین اصطلاح‌هایی در آن کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت، لذا، از بحث پیرامون آن خودداری می‌نمایم. اصطلاحات مطرح می‌

### شنبه چیست؟

شنبه چه معنایی دارد؟ و از کجا آمده است که کلمات بی‌مفهوم «یک » « » ... آن ایجاد شده و مرسوم گشته است؟ واژه شنبه از لغت عبری Shabbath (به معنی استراحت) . این واژه، معنی « » « » هفته» (همانگونه که الان برای یهودیان است).

این لغت به Sabbath (به مفهوم شنبه، و هفتمین روز هفته (با شروع از یکشنبه!)) مفهوم روز استراحت) وارد زبان انگلیسی شده است. (Samedi) (در فرانسوی نیز از همین واژه است).

این لغت در یونانی به صورت Sabbato Sabbatan . در لاتین به

Sabbatum Sabbata روسی به صورت Subbota، و در عربی نیز به صورت « »

در تورکی و فارسی به صورت « » « » . همه جا این لغت به

معنای روز استراحت و اولین (و در برخی با شروع هفته از یکشنبه بعنوان آخرین) روز هفته

جهت یافتن اینکه چرا در زبان فارسی هایی با ترکیب عجیب «یکشنبه» « » ...

ایجاد شده، لازم است که تا به این مطلب در فولکلور آذربایجان توجه کنیم. روزهای هفته در

فولکلور آذربایجان به این شکل نامگذاری شده :

-1

-2 (روز شیر)

-3 (روز نمک)

-4 ( لی )

-5 ( ی مقابل « » ی فرعی، شنبه‌ی ناقص)

-6-جوما آخشامی ( )

-7 ( )

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هفته به « » « » « » یک روز خالی در وسط» و یا

اینکه به دو بخش «4» «3» تقسیم شده که بخش اول با « »

« شروع می . نکته‌ی مهم و مسأله‌ساز در این‌جا دانستن و یا ندانستن معنای  
ی « » .

ای است که « » « » به شکل گسترده‌ای از زبان‌های  
تورکی گرفته تا مغولی و حتی انگلیسی پخش شده است. در این‌جا به چند مورد از معناهای  
« دقت کنید:

- (نوعی بیماری حیوانات)

- (- )

- ( )

- (هنگام، زمان)

- (روبروی، مقابل)

که دیگر های ترکیبی مراجعه نمی‌کنیم.

رفتار عجیب زبان فارسی این است که هیچ ملاحظه‌ی در و همسایه را نکرده و بدون تعارف  
« چهارشنبه » فرض کرده و عجیب‌تر این که با عدد روزهای بین شنبه تا چرشمبه را  
نیز پر کرده است و در نتیجه این نام‌گذاری بی‌مسمای موجود روزهای هفته بوجود آمده است.

### ... یکی از قولوها ...

ترکیب جعلی « » « » « (زاییدن) در تورکی است که از ترکیب «اٹکیز دوغولو»

(جفت زاییده شده) بوجود آمده است و حالا اصطلاحات عجیب و غریب « » « یکی از

قولوها» ایجاد شده که نیازی به توضیح بیشتر نیست و خود گویاست.

این که چرا ترکیب و اصطلاح عجیب « » پیدا شده نیاز به توضیح مختصری دارد. در اینجا

مفهوم « » که در تورکی اسم است و معنی « » می‌دهد با پسوند «-» که به معنی «هم»

«-» «

-یولداش = یول ( ) + (هم) = همراه، رفیق

- قارین (شکم) + (هم) = هم‌شکم، از یک شکم زاده شده، برادر

- (هم) = همزمان، هم عصر، معاصر

- (هم) = هم

-سیرداش = سیر ( ) + (هم) = همراز، محرم اسرار یکدیگر

- (هم) = هم پشتیبان، کسانی که پشتیبان یکدیگرند

-صبیرداش = صبیر ( ) + ( ) = هم‌صبر، کسانی که صبر خود را سهیم می

همانگونه که ملاحظه می‌کنید واژه «صبیر» که در تورکی همان « » « »

«-» « نیز » « در نظر گرفته شده است و ترکیب بی‌مسمای «

« ایجاد شده است. اصلاً سنگ نیازی به صفت صبور بودن ندارد.

اما، در فولکلور آذربایجان و در قصه‌ها، دخترکی با قضیه‌ای روبرو می‌شود که از توان و تحمل

روحی او خارج است. لذا، عروسکی برایش تهیه می‌کنند که او در خفا هر روز قصه

بازگو می‌کند. یعنی، این عروسک «صبیرداش» (هم صبر) او می‌شود و در نهایت دخترک سالم

می ماند و عروسک از فشار روحی می ترکد و یا چاک برمی ( اتلاییر). یعنی در فشار روحی  
دق می کند و می میرد که احتمالا واژه « (نوعی از مردن) در تورکی به این مفهوم  
برمی .

اش را به سنگ می گوید یعنی سنگ «هم صبر» او می شود و در نهایت سنگ  
نیز چاک برمی (چاتلاییر). « (اگر سنگ چاک برداد) به مفهوم  
نهایت طاقت به کار می . به این اصطلاح دقت کنید: در جایی که ساعت نباشد و بخواهند زمان  
را تخمین بزنند برای بیان نهایت احتمال زمان می گویند: « دیر!» ( )  
سنگ چاک بردارد ساعت 5 بیشتر نمی .

ی این بحث بد نیست نظری به ترجمه ی شعر یونانی ای که شاملو ترجمه کرده بود و با  
صدای خودش فروخته می شود، دقت کنید. در یکی از شعرها این گونه می گوید:

ی کوچک بی گلوله و شمشیر می

برای نان همه، برای نور و برای سرود

و در گلوله پنهان می فریادهای شادی و غمش را

چرا که اگر زبان بگشاید صخره ها از هم بخواهد شکافت

این اصطلاح « ها از هم بخواهد شکافت» همان چاک برداشتن سنگ است که با بزک  
ادبیاتی تر ارائه شده و نهایت طاقت را می . یعنی، اگر آن توده ی کوچک زبان گشود بدانید  
که نهایت یک طاقت و توان ممکن فرا رسیده است. این ارتباط نهایت طاقت با سنگ خود به خود  
گویای مطلب هست که سنگ نیازی به صفت صبور بودگی ندارد و خودبخود صبور هست. این

تعبیر روشنفکری نیست، بلکه یک ریشه مشترک فولکلوریک و اساطیری در میان اقوام است.  
تر نبود که شاملو به فولکلور در شکل اصیل تر آن بیشتر توجه می‌کرد؟

## 7 سین

پیدایش ترکیب عجیب «هفت‌سین» نیز از آن مواردی است که هنوز محققین محترم فارس  
جوابی بر مفهوم و نحوه‌ی پیدایش آن ندارند. ابتدا، اجازه بدهید تا نکته‌ای را در زبان تورکی و  
فولکلور آن توضیح بدهیم، آن ی پیدایش آن بپردازیم.

ای از زبان‌ها مثل لاتین، روسی، تورکی و ... اسم و صفت صرف می‌شود که در زبان-  
شناسی به این صرف اسم و صفت declension گفته می . در تورکی در وضعیت  
«رانی» accusative اگر اسم یا صفت به مصوت ختم شود پسوند «- سین» یا «- سینی» می-  
گیرد. : های « » یا « » « پدرش را دیدم » (آتاسین [ سین ] . )  
همان‌گونه که گفته شد، چون این اسم‌ها به مصوت « » « ختم می «رانی»  
«- سین» می‌گیرد. از این رو واژه‌های « » « » « » « » « » «  
« جی » « » « » « » « ... و نیز در مورد عددهای «ایکی = 2» «آلتی = 6» «یئددی  
= 7» «اون ایکی = 12» «بیرمی (ایگیرمی) = 20» «اللی = 50» ...  
می‌شوند در وضعیت accusative «- سین» «- سینی» خواهند گرفت. :

-ایکی‌سین (دو تایش )

-آلتی‌سین (شش تایش را)

-یئددی‌سین (هفت تایش را)

...-

-اللی سین (پنجاه تایش را)

در هنگام تحویل سال در فولکلور آذربایجان این گونه گفته می : "آیدین برکت زادلاردان  
یئددی سین قویون" (از چیزهایی که سمبل برکت و روشنایی اند هفت تایش را بگذارید.) این هفت  
مورد تقریباً از این قرارند:

1- (سمبل اعتقادی)

2- (= آب؛ سمبل پاکی و حیات و روشنایی)

3- بوغدا و برخی غلا دیگر (= گندم؛ به صورت برشته که محصول روی زمین و سمبل غذا  
هستند)

4- میوه (مخصوصاً سیب و سنجد که تا آن موقع سال می ماند؛ سمبل برکت روی درخت و یا  
سردرختی)

5- یومورتا (= تخم مرغ؛ که سمبل برکت حیوانی است)

6- سیککه (= سکه؛ که سمبل برکت داد و ستد است)

7- گوپه رتی (= سبزه؛ که سمبل رویش و تازه شدن و ادامه حیات است)

که در نتیجه سال کهنه به برکت سال جدید پیوند می خورد و ادامه می یافت.

ملاحظه می کنید که «7سین» اگر به تورکی خوانده شود می «یئددی سین» که به معنای  
«هفت تایش را» . ولی تفکر غیر فولکلوریک محققان و منگ شدگی در مقابل زبان فارسی  
باعث مدفون شدن این ردپای فولکلوریک شده است و به جای این سمبل های برکت «

«سرکه» پیدا شده است که لابد به سماق و سرکه‌ی سال جدید پیوند می‌خورد و ادامه می‌

یابد!

## شیرآب

این واژه را نیز که مرتبط با مفاهیم آوایی است در اینجا از این لحاظ می‌آوریم که در فولکلور و زبان تورکی آذربایجانی اصیل‌ترین سیستم آوایی-مفهومی اصوات زبانی وجود دارد که در کتاب دیگری به این سیستم آوایی-مفهومی خواهیم پرداخت.

در تورکی آذربایجانی سیستم آوایی-مفهومی خاصی برای بیان ریزش آب وجود دارد که تغییر مصوت میانی باعث تغییر مفهوم واژه می :

- ( ) : ریزش آب از ارتفاع بالا

- ( ) : ریزش آب یا ... به صورت تقریباً افقی (مثل ریزش خود از رگ، ریختن بی‌هدف آب نسبتاً کم فشار از شلنگ)

-شیر (شیر): ریزش آب از ارتفاع کم

(البته در کتابی که به سیستم آوایی-مفهومی در تورکی آذربایجانی اختصاص دارد بیشتر توضیح

داده خواهد شد که) صدای / / مفهوم « ایجاد صدا و مرتبط شدگی» .

میانی « را مشخص می‌کند و صدای / / جریان و حرکت را می‌سازد و تکرار آن نشان

دهنده استمرار است. در زبان فارسی و در اصطلاحات علمی از « استفاده می‌شود ولی

«شار شار کردن» (به شکلی که در فارسی فعل‌سازی شود) یا «شاریدن» دیده

نمی . تنها در هایی مثل « دیده می . ترکیب فعل واژه‌ی «شر شر کردن»

وجود دارد ولی ترکیب «شیر شیر کردن» .



ملاحظه می‌کنید که واژه‌ی «شیر» با مفهومی که ایجاد می‌کند برای شیر آب مورد استفاده قرار  
های تورکی به صورت مصدر در این مور :

-شاریلداماق

-شیریلداماق

یعنی، هر سه شکل فعل وجود دارد. های «شیر دادن» «شیریلتی» «شیرراتان»  
« » « » ... نیز از این مصدرها ساخته می . «شیرآب» نیز از این  
مصدرهاست و توجیهاتی از قبیل «ساخته شدن شیرآب به صورت شیر درنده» ... از روی  
ناچاری است که باعث می طلب دست به جعل و یا خیالپردازی بزنند.

### چهارباغ، کویر، و گاوخونی

چرا واژه و ترکیب «چهارباغ» وجود دارد ولی « » « » ... وجود ندارند؟ گفتنی  
است که این ترکیب نیز از مواردی است که فارسی بدون هیچ ملاحظه و تعارفی فوراً مهر  
«چهار» کذایی خود را بر آن زده است. ی « » بحث شد که البته بسیار  
گسترده است و بحث ائیمولوژیکی آن در حوصله این بحث نیست. در این مورد نیز وجود واژه‌ی  
« » در ابتدای « » باعث برداشت فارسی زبان ا «چهار»  
این ترکیب یعنی «چهارباغ» « » به وسیله‌ی صفویان از آذربایجان به اصفهان برده  
. « » که در ادبیات عاشقانه‌ی تورکی مثل «اصلی و کرم» به کرات از آن یاد می-  
شود دقیقاً به معنای «پارک» به مفهوم امروزی است.

ند مورد دیگر از واژه‌هایی که اسم مکان و جایی هستند دقت کنید:

- (عریان): بیابان لوت

- کویر = کو (خشک، بی ( + یئر (زمین) : بیابان کویر

حالا به اسم بی‌مسمای «باتلاق گاوخونی» دقت کنید که هیچ ربطی به « » « » « »  
کاملا ساده به این صورت است: «قوخوننی = قوخونی» Qoxunni (یعنی دارای بوی تند و زننده و  
این‌گونه هم هست). توضیح اینکه در تورکی اگر اسم به صدای « » و یا « » ختم شود به جای  
پسوندهای «- لی» «- » صداهای یاد شده تکرار می . :

-تهرانلی = تهراننی = تهرانی

-اهرلی = اهرری = اهری

این نکته در مورد تورک‌های مرکز (اراک، قوم، همدان، و ...) و به خصوص اطراف اصفهان شدیدتر